



خوانش نوین حقوقی از راعی و رعیت در پرتو سیره رضوی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ | بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ | پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

پرویز باقری^۱ مهدی شعبان‌نیا منصور^۲

چکیده

هر مکتبی بر اساس نگرشی که در خصوص جایگاه انسان در هستی دارد، نوع مطلوب خود از حکمرانی را معرفی می‌کند. در مکتب غرب، حکمرانی مطلوب الگویی نوین از حکمرانی است که هدف آن افزایش کارایی و توانمندی دولت با اصلاح روش‌های حکمرانی است. با توجه به این مسئله، از سوی بانک جهانی و برخی مراکز دیگر شاخصه‌هایی برای آن معرفی شده که یکی از آن‌ها مولفه مسئولیت است. از سوی دیگر در مکتب اسلام و به‌ویژه در سیره امامانی همچون امام رضا (علیه السلام) الگوی راعی و رعیت وجود دارد که در آنجا مسئولیت طرفینی و متقابل است. سؤالی که قرار است این پژوهش به آن پاسخ دهد این است که آیا بین این دو الگو ارتباطی وجود دارد یا به‌طور کلی با هم در تضاد هستند؟ هدف این پژوهش، بیان تعریفی دقیق و روشن از مفهوم راعی و رعیت بر اساس سیره رضوی و رفع ابهامات از این مفهوم و سپس بررسی نسبت دو مقوله «حکمرانی مطلوب» و «راعی و رعیت» با هم است. در اسلام به مقوله مسئولیت و پاسخگویی بسیار تأکید شده و آیات قرآن و احیای رضوی بسیاری در این زمینه وجود دارد که باعث شده در این زمینه با حکمرانی مطلوب نقطه اشتراک داشته باشد؛ اما در اسلام مسئولیت از جهت منشأ مسئولیت و تقابل و تماثل حق و تکلیف با حکمرانی مطلوب که خاستگاه اومانیستی دارد، متفاوت است. علاوه بر این، مسئولیت در اسلام فقط جنبه رسمی و دنیایی ندارد، بلکه جنبه اخروی نیز دارد. این مقاله تلاش می‌کند تا وجوه اشتراک و افتراق دو مفهوم مسئولیت در الگوی حکمرانی خوب و راعی و رعیت در الگوی حکمرانی اسلامی را به روش تحلیلی توصیفی و با مراجعه به منابع مکتوب و الکترونیکی هر دو حوزه مورد مذاقه حقوقی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: نسبت‌سنجی، راعی و رعیت، مسئولیت، حکمرانی مطلوب.

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول): p.bagheri@ilam.ac.ir
۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران: Mehdi.shabannia@iauctb.ac.ir

۱. مقدمه

هر نظام حقوق عمومی مبتنی بر مکاتب فکری و بنیان‌های نظری خاصی است و مبنای و اصولی را معرفی می‌کند که تنظیم‌کننده روابط حاکمان و مردم است (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۳۲). در همین خصوص نظام حقوق عمومی که از آب‌شخور تفکرات اسلامی تغذیه می‌نماید، دارای اصولی است که با یک نظام حقوق عمومی دیگر که مبنای هستی‌شناسانه و رویکرد انسان‌شناسانه آن متفاوت است، می‌تواند کاملاً یکسان نباشد. مسئولیت‌پذیری از موضوعات مهمی است که قائل بودن یا منتفی دانستن آن و میزان اجرای آن، بیانگر کیفیت روابط میان مردم و حکومت و شاخصه مهمی در خصوص قضاوت حکومت‌هاست (ایزدی فرد و کویار، ۱۳۸۹: ۱۳). مسئولیت از ریشه سأل، پاسخگو بودن در قبال کاری یا چیزی است و مسئول کسی است که پیامد کاری را برعهده دارد (نجفی آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۴۷). مسئولیت عبارت است از پاسخگو بودن صاحب اختیار در برابر نتایج کارش و اختیار یعنی حق دستور دادن و به اجرا در آوردن آن. این دو مفهوم در مباحث مدیریت معمولاً در کنار یکدیگر می‌آیند (همان، ۱۵۲). ژان پل سارتر، فیلسوف فرانسوی معتقد است که انسان محکوم به آزادی است؛ زیرا وقتی آزاد است مسئول تمام انتخاب‌های خویش نیز هست. این بدین معناست که در عین آزادی، انسان‌ها می‌بایست مسئولیت‌پذیر نیز باشند و نمی‌توانند از موهبت آزادی بهره ببرند و مسئول امور خویش نباشند. هانس کلسن نیز اعتقاد دارد در حقوق، مسئولیت به معنای الزام شخص به پاسخگویی نسبت به اعمالی است که قانون آن‌ها را متضمن اجرا می‌داند. آنچنان که درک می‌شود در اندیشه فلاسفه حقوق مسئولیت‌پذیری از عناصر مهم و اثرگذار است که این موضوع در اسلام و حقوق اسلامی نیز تأیید شده است.

واژه راعی و رعیت در قرآن و احادیث کاربرد بسیاری دارد. در حدیث نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» با نام بردن اقشار و اصناف مختلف جامعه، آن‌ها را «راعی» و «مسئول» نسبت به گروه یا گروه‌های دیگر «رعیت» دانسته است. با توجه به این حدیث نبوی در اسلام، مسئولیت به صورت همه‌جانبه و متقابل است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۲). در

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

آن سوی حکمرانی خوب^۱ قرار دارد که بعد از ناکامی دولت حداکثری و حداقلی به وسیله کارشناسان بانک جهانی پیشنهاد شده و نقش دولت در آن تغییر کرده است و دیگر دولت، تنها عنصر در حاکمیت به شمار نمی‌رود، بلکه در کنار خود، بازار و جامعه مدنی را می‌بیند. در این میان یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب، مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت یکی از پایه‌های اصلی حکمرانی است که در آن نه تنها دولت، بلکه بخش خصوصی و جامعه مدنی در برابر عموم مردم مسئول هستند (گر جی ازندریانی، ۱۳۹۰: ۲۱۸). سؤال اصلی این پژوهش این است چه نسبتی میان، راعی و رعیت در متون دینی با شاخصه مسئولیت در حکمرانی مطلوب وجود دارد؟ این تحقیق در ابتدا به بررسی و شناخت از این دو الگو می‌پردازد؛ سپس با در کنار هم قرار دادن این دو مطلب، به بررسی میزان اشتراک و افتراق این دو موضوع خواهد پرداخت.

۱-۱. پیشینه تحقیق

شریف زاده وقلی پور (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان حکمرانی خوب و نقش دولت به مسئله «رابطه راعی و رعیت» پرداخته و آن را یکی از مفاهیم بنیادین در اندیشه سیاسی و حقوق عمومی در تمدن اسلامی دانسته اند. این مفهوم که ریشه در سنت نبوی و علوی دارد، بر مبنای مسئولیت‌پذیری حاکم (راعی) در برابر مردم (رعیت) شکل گرفته و در قالبی اخلاقی حقوقی به رسمیت شناخته شده است. در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، از جمله در سیره امام رضا (علیه السلام) ابعاد این رابطه دچار تحول مفهومی شده است.

داوود بن سلیمان غازی (۱۳۷۶) در مسند الرضا به مبحث حکمرانی اسلامی می‌پردازد و بیان می‌کند که مطالعات سنتی در این زمینه، عمدتاً ناظر بر نظام ولایی و اخلاق حکمرانی اسلامی بوده و تأکید بر عدالت، زهد، رعایت حق مردم و پاسخگویی حاکم داشته‌اند. آثاری چون «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک، «نهج البلاغه» در نامه‌های امیرالمؤمنین و نیز متون حدیثی همچون «عیون اخبار الرضا» اثر شیخ صدوق، به‌طور ضمنی به موضوع نسبت حاکم و مردم پرداخته‌اند.

1. Good Governance

با این حال، خوانش نوین حقوقی از این مفهوم در پرتو نظریه‌های جدید حقوق عمومی مانند مسئولیت پاسخگویی، کرامت انسانی، شهروندگرایی و حق بر مشارکت سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پیوند میان مفاهیم کلاسیک همچون راعی و رعیت با ساختارهای نوین حقوق اساسی مانند «دولت پاسخگو»، «حق بر نظارت مردم بر حاکمیت» و «مردم‌سالاری دینی»، حوزه‌ای بکر برای تحلیل تطبیقی میان سیره رضوی و حقوق نوین عمومی فراهم می‌آورد.

از این منظر، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی تفسیری و با تکیه بر آموزه‌های سیره امام رضا (علیه السلام) مفاهیم راعی و رعیت را در قالب اصول مدرن حقوق عمومی بازخوانی و سهم این سیره را در ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی مطلوب تبیین کند.

۲. مفهوم راعی و رعیت

سه کلمه «راعی»، «رعیت» و رعایت از ریشه رعی (رعا) می‌آید (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۸). راغب اصفهانی در کتاب «المفردات» می‌نویسد: رعی در اصل محافظت از دیگری است یا از طریق تغذیه و پرورش او که حافظ زندگانی اش است یا به حفظ و نگهداری او از دشمن (دلیر، ۱۳۹۳: ۷۲) و در ادامه بر عنصر حفاظت تأکید می‌ورزد «رعیت یعنی او را پاسداری کردن» (همان). «در واژه‌نامه فارسی نیز رعایت از مقوله نگرهبانی و برتر از آن، تکریم، نوازش و نظایر آن ذکر شده است؛ برای مثال دهخدا در «لغت‌نامه» این معنای را برای واژه رعایت ذکر کرده است: نگاهداشت، نگاهداری، نگاهداشت حق، پاس داشتن، تکریم، سیاست و تدبیر، بخشایش، نوازش، مهربانی، دستگیری» (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۹)؛ «بنابراین رعی رعایت به معنای مراقبت و پاسداری حفاظت و نگهداری، حراست و نگرهبانی و به‌طور کلی مراعات آن یعنی حفظ حدود و شئون آن چیز است (همان).

۲-۱. راعی و رعیت در لسان قرآن و حدیث

راعی و رعیت در قرآن کریم، هم در معنای لغوی استعمال شده و هم در معنای اصطلاحی.

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

در سوره مبارکه طه، آیه پنجاه و چهارم، این ماده در معنای لغوی اش به کار رفته: «كُلُّوا وَ اَزْعَوْا اَنْعَامَكُمْ»، هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را به چرا ببرید. در سوره مبارک مؤمنون، آیه هشت این واژه در معنای اصطلاحی اش به کار رفته است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِ اِمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ و کسانی که امانت‌ها و عهد خویش را رعایت می‌کنند و در حفاظت و ادای آن مسئول اند (ورعی، ۱۳۸۱: ۲۴). این واژه در احادیث پیشوایان دینی نیز در معنای اصطلاحی به کار رفته است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: از حقوق مؤمن بر مؤمن، دوستی در دل و مواسات و ایثار در مال است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۲۳۲) حدیث معروف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) كَلِّمُوا رَاعٍ وَ كَلِّمُوا مَسْؤُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ (ورعی، ۱۳۸۱: ۲۴) نیز از جمله احادیث مرتبط با موضوع است.

۲-۲. مسئولیت در حقوق عمومی

اصل مسئولیت را می‌توان به مفهوم لاتین (responsibility) به معنای پاسخ دادن پیوند داد. مسئولیت، تعهد یا تکلیفی است برای پاسخگویی در برابر اعمال یا فعالیت‌های انجام شده و پذیرش پیامدهای حاصل از آن‌ها (گر جی از ندریانی، ۱۳۹۰: ۲۱۸). این پاسخگویی از منظر حقوق عمومی نسبت به اشخاص بالاتر و نهادهای معین خاصی می‌باشد. از آنجا که هیچ کس از افراد حقیقی و حقوقی عاری از خطا نیست، همه مقامات و نهادها متصل به قدرت نیز از این مسئله عاری نیستند؛ پس باید به مسئولیت خود در این زمینه تن دهند. مسئولیت در ادبیات حقوق عمومی جلوه‌های گونه‌گون دارد. گاهی از مسئولیت سیاسی حاکمان سخن گفته می‌شود. گاهی بر مسئولیت مدنی یا کیفری مأموران تأکید می‌شود مفهوم مسئولیت سیاسی بیشتر به حوزه حقوق اساسی تعلق دارد؛ در حالی که در قلمرو حقوق اداری مفاهیم مسئولیت اداری و مسئولیت مدنی از وجهه پرنگ‌تر برخوردار است (عمید زنجانی و محمدی، ۱۳۸۵: ۴۲). در حقوق عمومی به‌طور ویژه مسئولیت‌پذیری یکی از اصول بنیادین حکمرانی مطلوب شناخته می‌شود. مسئولیت‌پذیری به معنای تعهد به انجام وظایف محوله و پذیرش پیامدهای آن است و در نظام‌های حکمرانی یکی از ارکان پاسخگویی و شفافیت شناخته می‌شود. در اسلام نیز مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های

برجسته انسان مومن معرفی شده است و این خصوصیت شامل تعهد به انجام وظایف مذهبی و اجتماعی و پذیرش بازخوردها و پیامدهای آن نیز می‌شود.

۲-۳. مفهوم حکمرانی مطلوب

درباره حکمرانی خوب، تعاریف مختلفی ارائه شده است. با دقت در آن‌ها می‌توان دریافت که روح کلی حاکم بر همه آن‌ها چندان تفاوتی نمی‌کند. گرچه به هر حال این تعاریف کم‌وبیش با یکدیگر اختلافاتی دارند (نادری، ۱۳۹۰: ۷۳). برخی افراد یا نهادها آن را با ویژگی‌هایش و برخی دیگر آن را با عناصرش تعریف می‌کنند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۷). برای نمونه، بانک جهانی به‌عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر در گزارشی که سال ۱۹۸۹ منتشر کرده، برای اولین بار حکمرانی خوب را ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (همان). «برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف کرده است: حکمرانی خوب کوششی در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری است (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

حاکمیت خوب در حقیقت یک دید جدید در اعمال حاکمیت محسوب می‌شود که سعی دارد با تجمیع ویژگی‌های خاص حاکمیت ایده‌آل را توصیف کند. ظهور حاکمیت خوب را می‌توان مجموعه‌ای از ایدئولوژی حاکمیتی در اداره امور عمومی به حساب آورد که باعث شکل‌گیری ایده‌ها و باورهای کلیدی در مدیریت کلان جامعه شده است (رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). حکمرانی خوب اصطلاح هنجاری است که می‌بایست به اقتضای بستر تعریف شود. لذا نیاز به بومی‌سازی حکمرانی خوب بیش‌ازپیش مورد نیاز است (یگانگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

۲-۴. نسبت دو مفهوم رعایت و حکومت

حکومت رابطه‌ای انسانی و مدنی است (شیداییان، ۱۳۸۳: ۲۶). باید دانست که هر چند

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

حکومت در اصل رهبری و فرمانروایی است، در ماهیت و حقیقت آن، در انواع و گونه‌هایش و در چگونگی و کم‌وکیفش بین اندیشمندان اختلاف نظر جدی وجود دارد. اسلام دینی جامع و کامل است؛ بدین معنا که برای همه ابعاد و جوانب زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی و سیاسی دارای راهکار هدایت کننده است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۳). اسلام همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی نیز قانون و راه و رسم دارد (همان). شهید صدر در تعریف حکومت از دیدگاه اسلام می‌نویسد: حکومت و دولت اسلامی عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین دلیل بارها بر حاکم (فرمانروا) اسم «راعی» بر فرمانبرداران (مردم) نام «رعیت» اطلاق شده است (همان: ۴۸). همان‌گونه که در حدیث شریف «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» آمده است در اینجا شهید صدر به مفهوم و محتوای نظری و مفهومی یا چیستی و ماهیت حکومت توجه دارد. استعمال کلمه «راعی» را درباره «حکمران» و کلمه «رعیت» را درباره «توده مردم» اولین مرتبه در کلمات رسول اکرم ﷺ و سپس به وفور در کلمات امام علی (علیه السلام) می‌بینیم. این لغت از ماده «رعی» به معنای حفظ و نگهبانی است. به مردم از آن جهت کلمه رعیت اطلاق شده است که حکمران عهده دار حفظ و نگهبانی جان و مال و حقوق و آزادی‌های آن‌هاست (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

شهید آیت الله مطهری نیز در همین زمینه می‌گویند: در نهج البلاغه تعبیر والی و رعیت هم آمده است که ظاهراً ناظر به جنبه حفظ و رعایت است. دستگاه حکومت، از آن جهت «حکومت» نامیده می‌شود که حافظ امنیت داخلی و خارجی و مجری قانون است و از آن جهت «امامت» نامیده می‌شود که مشتمل بر رهبری است و نیروها را به حرکت درمی‌آورد و بسیج می‌کند و سازمان می‌بخشد و استعدادها را شکوفا می‌کند (ورعی، ۱۳۸۱: ۲۴).

۲-۵. شهروندی در حکمرانی مطلوب و رعیت در اصطلاح اسلامی

واژه شهروند (citizen) از شهر (city) گرفته شده است (باقرالموسوی، ۱۳۸۰: ۵۶). ایده

شهروندی به‌طور جدی برای اولین بار با نقد شهروندی قرون وسطی و با برگشت به تجربه روم و یونان باستان، در دوره رنسانس مطرح شد و سال ۱۷۸۹ میلادی در جریان انقلاب فرانسه اعلامیه‌ای نوشته و به‌طور رسمی از عبارت «حقوق شهروندی» نام برده شد. البته ریشه حقوق شهروندی تا حدودی به دوره باستان برمی‌گردد، به طوری که برای اولین بار ارسطو در کتاب «سیاست» از شهروند سخن به میان می‌آورد (آجرلو، ۱۳۹۵: ۹). کلمه «شهروند» هر چند ترجمه فارسی واژه‌ای لاتین است، اما از نظر مفهوم و بار سیاسی، نزدیک‌ترین واژه به «رعیت» در زبان عربی و متون دینی است. گرچه این واژه دارای مفهومی متناسب با نظام‌های مبتنی بر فردگرایی در نظام‌های سیاسی غرب است، روسو در توضیح این واژه می‌گوید: آن احاد و افرادی که در زیر چتر این همبستگی اعتباری (حکومت) قرار دارند، در صورتی که به گونه دسته جمعی، مورد ملاحظه قرار گیرند، نام مردم (people) را در بر خواهد گرفت و اگر به آنان از دیدگاه احاد و افراد حقیقی نظر افکنده شود، شهروندان (citizen) به حساب می‌آیند (ورعی، ۱۳۸۱: ۲۵).

امام رضا (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هر کس وظایف خود را نسبت به مؤمنان انجام دهد خداوند و فرشتگان به او مباحثات می‌کنند (نوری طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۴۱۳).

امام علی (علیه السلام) در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه به موضوع حقوق اجتماعی می‌پردازد. آن حضرت در این خطبه به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم اشاره می‌کنند. در نخستین بخش این خطبه می‌فرماید: «فقد جعل الله سبحانه لی علیکم حقاً بولایه امرکم، و لکم علی من الحق»؛ خداوند سبحان برای من بر شما به جهت سرپرستی و حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است؛ بنابراین، از نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است. سپس می‌افزاید: «حق گسترده‌تر از آن است که قابل وصف باشد، اما هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند است». سپس به ارتباط بین حق و تکلیف اشاره می‌فرماید: «که حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز به کار می‌رود و تنها حق خداوند سبحان یک طرفه است». اولین امام شیعیان، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر را بزرگ‌ترین حق در میان حقوق الهی ذکر فرموده و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته‌اند.

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

برهمن مینا «گلگم راع...» نشانه و دال بر این است که همگان به دلیل انسان بودن شان از سوئی «راع» یعنی مسئول و نگهبان یکدیگرند و از دیگر سوی «رعیت» اند؛ یعنی انسان بما هو انسان هم طبعاً دارای نوعی نفوذ و ولایت و لذا مسئولیت مشارکت جمعی نسبت به دیگران است و هم نوعی نفوذپذیری؛ زیرا با دیگران دارای سرنوشت مشترک است و همه در برخورداری از این سرنوشت مشترک با هم برابرند؛ پس این بیان به صراحت بر برابری نوع بشر در عرصه سیاست و در حقوق شهروندی صحه می‌گذارد (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۲۵۷).

بر این اساس در نظام حقوقی اسلام، شهروندی موقعیتی است که عرب و عجم به‌طور یکسان در مقابل حاکم خود دارند و در عین داشتن حقوقی، ملزم به انجام وظایفی نیز هستند (دیدگاه و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۸).

۲-۶. تلازم مسئولیت و پاسخگویی

امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: لا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْكَفِّ عَنِ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ؛ هیچ خویشتن‌داری (ورعی) سودمندتر از دوری از حرام و پرهیز از آزار مؤمنان نیست (فقه الرضا: ۳۵۶). حکومت از مقوله «امانت و مسئولیت» است، نه «حق و امتیاز» سخن معروف امام علی (علیه السلام) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان گواه روشن بر این واقعیت است. امام (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به او می‌فرمایند: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: ۴۸۵) در واقع می‌توان گفت که عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری همان پاسخگویی است؛ یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران، به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف دارم» و این اصل در سایه هماهنگی فرد با حق و عدم تقدم او بر خدا و رسول به دست می‌آید (ایزدی‌فرد و کاویار، ۱۳۸۹: ۳).

در دیدگاه اسلامی همه افراد اشیا در نظام طبیعت موظف به انجام وظایف و کارهایی

هستند. درباره انسان که موجودی مختار است؛ چون اختیار او مطلق نیست و از سوی دیگر مجبور مطلق هم نیست. در مقابل هر کاری که انجام می دهد مسئول و باید پاسخگو باشد، در ابعاد گوناگون اعم از فردی، اجتماعی، شغلی و سازمانی (نجفی آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

۲-۷. شاخص های حکمرانی خوب

شاخص «عبارت است از سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده» (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۶: ۱۶). اصول مزبور در همان حال شاخص ها و مصادیق تحقق آن نیز هستند، به این معنا که جلوه خارجی و احراز حکمرانی خوب را می توان در قالب این اصول مشاهده و شناسایی کرد. امام رضا (علیه السلام) در بیان ویژگی حکمران خوب می فرماید: الإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ، وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ، وَالْأَخُّ الشَّقِيقُ، وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ؛ امام مونس دلسوز، پدری مهربان و برادری همدل است (مسند الرضا، ۱۳۷۶، ج ۱: ۶۹). بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، «حکمرانی خوب» دارای شش شاخص است: پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد» (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۶: ۱۶).

۲-۷-۱. پاسخگویی و حق اظهار نظر

مقصود از این شاخص میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. این شاخص همچنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل ها و اجتماعات و آزادی رسانه های جمعی است. بر اساس این شاخص هر چه مردم جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکمه داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل ها و انجمن ها و نظایر آن ها در جامعه بیشتر باشد و رسانه های جمعی و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان دهنده وضعیت بهتر حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰: ۷۵). حکمرانی خوب مستلزم این است که نهادها و فرایندها برای

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

خدمت به همه ذینفعان در یک چهارچوب زمانی معقول تلاش کنند. گرایش به اجماع بازیگران متعددی با دیدگاه‌های مختلف در یک جامعه وجود دارند. حکمرانی خوب باید بین منافع مختلف موجود در جامعه برای رسیدن به یک اجماع گسترده بر روی اینکه چه چیز بهترین منفعت را برای کل جامعه دربردارد، میانجی‌گری کند (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۲).

۲-۷-۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت

این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. در اینجا عواملی همچون تروریسم و خشونت‌های سیاسی مدنظر هستند (نادری، ۱۳۹۰: ۷۶). همچنین ثبات سیاسی و حاکمیت قانون در تناظر با یکدیگر قرار دارند؛ به این معنا که هر چه حاکمیت حداقلی و قانونی برقرار باشد، به همان نسبت ثبات سیاسی افزایش می‌یابد و در سایه همین امنیت و ثبات اقتصاد نیز ترقی می‌کند و در ادامه اقتصاد پویاتر در نهایت مجدد به ثبات سیاسی بیشتر منجر می‌شود.

۲-۷-۳. کارایی و اثربخشی

حکمرانی خوب یعنی اینکه، فرایندها و نهادها، نتایجی را به بار آورند که نیازهای جامعه را با بهترین استفاده از منابع فناپذیر برآورده سازد (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۲). در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴). شاخص کارایی و اثربخشی به‌عنوان مفاهیم مهم در مدیریت و اقتصاد نیز به چشم می‌خورد. شاخص کارایی (Efficiency) نشان دهنده میزان استفاده بهینه از منابع برای تولید خروجی مدنظر است. به دیگر سخن شاخص کارایی نشان می‌دهد که چقدر یک واحد خروجی با استفاده از منابع موجود تولید می‌شود. این شاخص معمولاً به صورت نسبتی بین خروجی و ورودی‌ها محاسبه

می‌شود. اثربخشی (Effectiveness) به میزان دستیابی به اهداف و اهداف مدنظر اشاره دارد. این مفهوم نشان‌دهنده این است که تا چه اندازه یک فعالیت در دستیابی به اهداف خود موفق بوده است. اثربخشی معمولاً به صورت نسبتی بین خروجی‌ها و اهداف مدنظر محاسبه می‌شود. شاخص کارایی به میزان استفاده از منابع برای تولید خروجی اشاره دارد، در حالی که اثربخشی به میزان دستیابی به اهداف مدنظر اشاره کرد.

۲-۷-۴. حاکمیت قانون

وجود چهارچوب‌های قانونی عادلانه از الزامات نهادینه شدن حکمرانی خوب و مستلزم اجرای بی‌طرفانه است. حکمرانی خوب، همچنین مستلزم حمایت کامل از حقوق بشر و به‌ویژه اقلیت‌هاست. اجرای بی‌طرفانه قوانین، مستلزم دستگاه قضایی مستقل و نیروی انتظامی فسادناپذیر سالم و بی‌طرف است» (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۲). حاکمیت قانون به معنای نفی حکومت شخص است. این موضوع به مفهوم اتخاذ نکردن تصمیم‌های خودسرانه و غیرعقلایی است که به گسترش و رشد ثبات سیاسی و نیز پایداری هرچه بیشتر امنیت کمک می‌کند. لذا التزام به مفهوم حداقلی از حاکمیت قانون در هر تفسیری از این اصل، واجد اهمیتی بنیادین است. به‌ویژه آنکه چهارچوب‌بندی حقوق و تکالیف زمامداران و شهروندان در قالب سندی رسمی و مدرن نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. گفتمان حاکم بر حقوق عمومی نوین را می‌توان به نوعی در اندیشه دولت قانون‌مدار جست‌وجو کرد. مطابق این گفتمان، تمامی مقامات و نهادهای سیاسی باید تابع قواعد حقوقی باشند. هیچ‌یک از مقام‌ها و نهادهای سیاسی حق تحدید حقوق و آزادی‌های بنیادین را جز در چهارچوب آیین‌های خاص و پیچیده پیش‌بینی شده در قوانین ندارند. حاکمیت قانون دارای تعریف و عناصر حداقلی مشخص است (گرگی، ۱۳۸۷: ۱۲)

۲-۷-۵. مهار فساد

آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوء استفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. این

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. بر اساس این شاخص هر چه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است» (نادری، ۱۳۹۰: ۷۵). مهار فساد و حکمرانی خوب به طور مستقیم به یکدیگر وابستگی دارند. مهار فساد به مجموعه اقدامات و سیاست‌هایی اشاره دارد که هدف آن جلوگیری از فساد و فعالیت‌های ناقض قوانین و اخلاقیات است. فساد می‌تواند حاکمیت قانون را ضعیف کند، اعتماد عمومی را تخریب کند و توزیع منابع را ناعادلانه نماید. حکمرانی خوب و مهار فساد می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. حکمرانی خوب با ایجاد محیطی شفاف و پاسخگو، از فرصت‌های بروز فساد می‌کاهد و افراد را به رفتارهای اخلاقی تشویق می‌کند. از سوی دیگر، مهار فساد با افزایش شفافیت، افزایش حسابرسی و تقویت نظارت، به تقویت حکمرانی خوب کمک می‌کند؛ بنابراین، مهار فساد و حکمرانی خوب به هم پیوند دارند و ارتباط مثبتی بین آن‌ها وجود دارد. این دو مفهوم با همکاری و هماهنگی می‌توانند به توسعه پایدار و عدالت محور کمک کنند.

۲-۷-۶. کیفیت قوانین و مقررات

منظور از این شاخص توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات است. اصولاً کیفیت قوانین و مقررات مصوّب به‌عنوان پایه اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشد، حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۶: ۱۸). قوانین و مقررات باید شفاف، عادلانه، قابل اجرا و متناسب با نیازهای جامعه باشند تا به حکمرانی خوب کمک کنند. قوانین و مقررات باید به‌طور شفاف و قابل درک برای همه افراد در جامعه باشند. این امر اعتماد عمومی را تقویت و از ایجاد فضایی برای فساد جلوگیری می‌کند. قوانین باید عادلانه و بدون تبعیض باشند تا از حقوق همه افراد در جامعه پشتیبانی کنند. این امر به تقویت حکمرانی عادلانه کمک می‌کند. قوانین باید قابل اجرا و پیگیری باشند تا از اعمال عدالت و انصاف در

جامعه اطمینان حاصل شود. قوانین پیچیده یا غیرقابل اجرا می‌توانند به نقض قوانین و فساد منجر شوند. قوانین باید با نیازها و اولویت‌های جامعه هماهنگ باشند تا به حل مشکلات اجتماعی کمک کنند و به توسعه پایدار کمک کنند.

۲-۸. جایگاه پاسخگویی و مسئولیت در حکمرانی مطلوب

امام رضا (علیه السلام) در باره جایگاه پاسخگویی حکمران خوب می‌فرمایند: «امام راهنمای در مهلکه‌هاست و هر آنکه از او جدا شود هلاک گردد» (کلینی، ۱۳۲۵، ج ۱: ۱۹۸). مسئولیت یکی از ملزومات اصلی حکمرانی است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز باید در برابر عموم مردم و ذینفعان بنیادی‌شان مسئول باشند. اینکه چه کسی در برابر چه کسی مسئول است، بسته به این است که تصمیمات گرفته شده یا اعمال صورت گرفته نسبت به سازمان یا نهاد، داخلی یا خارجی محسوب می‌شوند. در کل، یک نهاد یا سازمان به کسانی که به وسیله تصمیمات یا اعمال‌شان تاثیر می‌پذیرند، مسئول است (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۰۶) به این مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه بر مردم تأثیر می‌گذارد، مورد سؤال و بازخواست قرار دهد. این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۶)؛ زیرا مرزهای جامعه (نظام سیاسی و اجتماعی) نفوذپذیر و متقاطع و در تعامل با یکدیگر است. بی‌تعامل درست شهروندان و جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی و سیاسی با حکومت، حکمرانی خوب تحقق نمی‌یابد (همان: ۶۱).

۲-۹. دیدگاه‌های مخالفان و موافقان حکمرانی مطلوب

گروهی از منتقدان که میان اصول حکمرانی خوب و ماهیت اسلامی نظام سیاسی و اصول حاکمیت اسلامی تعارض می‌بینند (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۸) و از این منظر

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

تحقق آن را نه مطلوب و نه ممکن می‌دانند» (همان: ۱۵۳) و «در تقریر این تعارض چنین استدلال آورده‌اند که در الگوی حکمرانی خوب در جوامع غربی، هدف اصلی توسعه جامعه به‌ویژه در بُعد اقتصادی و مادی است از این رو اجرای آن در جوامعی که در کنار رفاه و توسعه اجتماعی به بعد معنوی انسان و بالاتر از آن خدا محوری توجه خاص دارند و در واقع، حاکمیت را ابزار و هدفی میانی برای رسیدن به هدف نهایی که همان سعادت ابدی انسان است، این الگو نمی‌تواند کارآمد باشد (همان: ۱۵۸)؛ زیرا اولاً حکمرانی خوب و شاخص‌های آن که مبتنی بر جهان بینی مادی است و ثانیاً حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در مقاطع مختلف تاریخی عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی در غرب و جهان پیرامون بوده است (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۶: ۸). دسته دوم از منتقدان که اصالت و ترجیح را به اصول حکمرانی خوب داده و معتقد به عدم اجرایی شدن این اصول در جوامع اسلامی، مثل جمهوری اسلامی ایران هستند، فقدان ساختار مناسب در نظام سیاسی ایران را دلیل این امر می‌دانند (مفتح و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۸). یکی از طرفداران این نظریه می‌نویسد: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی به بیان ارزش‌ها و آرمان‌ها و اصول حاکمیتی و حکومتی پرداخته است. آنچه از اصول قانون اساسی ایران استنباط می‌شود این است که هم ارزش‌ها و اصول جمهوریت در این دیدگاه اصولی منعکس شده‌اند و هم اصول مذهبی و اسلامی (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰)

در واقع، این دیدگاه وجود دوگانگی در قانون اساسی را مانع اصلی اجرای حکمرانی خوب می‌داند. (همان: ۱۶۲). بعضی پا را فراتر گذاشته و فرهنگ سیاسی در ایران را مانع تحقق و شکل‌گیری حکمرانی خوب دانسته‌اند. «چالش اصلی حکمرانی خوب در ایران، در برخورد آن با فرهنگ سیاسی حاکم می‌باشد به طوری که در مقابل هر شاخص حکمرانی خوب، مؤلفه‌هایی از فرهنگ سیاسی قرار دارد که مانع از تحقق آن شاخص‌ها می‌شوند و برای رفع این موانع، باید به مقوله فرهنگ سیاسی پیش از گذشته توجه شده و اقداماتی عملی در راستای اصلاح فرهنگ سیاسی با تمرکز بر نقش دولت صورت گیرد» (حشمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱). هرگونه تلاش برای ایجاد و استقرار

حکمرانی خوب در جامعه به شکل برون‌زا و هنگامی که بسترهای ایدئولوژیکی، فرهنگی و زیرساخت‌های لازم فراهم نیست، نمی‌تواند رشد سریع فرهنگ دموکراتیک در آن جامعه را به ارمغان آورد (همان: ۷). در نقد این دیدگاه نکته‌ای قابل تامل است: در حکومت‌های سیاسی الگوی واحدی وجود ندارد تا تحقق اصول حکمرانی خوب را وابسته به آن بدانیم بلکه به عقیده برخی، مدل حکمرانی خوب یک آموزه مدیریتی منحصر به فرد نیست بلکه می‌توان دامنه‌ای از الگوهای حاکمیت خوب را تصور کرد که متناسب با شرایط و وضعیت کشورها مانند عوامل سیاسی و فرهنگی و آداب و رسوم توسعه می‌یابند (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۲). با طرح آموزه حکمرانی خوب از سوی نهادهای بین‌المللی، بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌های مدیریت، اقتصادی و حقوق به ترویج آن در سطح ملی اقدام کرده‌اند. برخی ضمن تبیین اصول حکمرانی خوب بر پایه اسناد بین‌المللی تحقق آن‌ها را در چهارچوب اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعقیب کرده‌اند و به عقیده ایشان ظرفیت‌های لازم برای دستیابی به این اصول در قانون اساسی ایران وجود دارد. موافقان معتقدند ظرفیت لازم برای دستیابی به این اصول در جوامع اسلامی و از جمله قانون اساسی ایران وجود دارد (همان: ۱۵۳). در واقع، ایشان بدون در نظر گرفتن مبانی اسلامی در باب حکومت و حکمرانی، اجرایی شدن اصول حکمرانی خوب را با همان مبانی مد نظر طراحان امکان‌پذیر می‌دانند (همان).

۲-۱۰. تفاوت پاسخگویی در الگوی حکمرانی خوب با پاسخگویی در الگوی راعی رعیت

امام رضا (علیه السلام) در تناسب رعایت حقوق حاکمان و حکومت شوندگان که قابلیت تعمیم در دو الگوی راعی و رعیت و حکمرانی خوب را دارد، می‌فرمایند: اصْحَبِ السُّلْطَانَ بِالْحَدْرِ وَ الصَّدِيقَ بِالتَّوَاضُّعِ وَ الْعَدُوَّ بِالتَّحَرُّزِ وَ الْعَامَّةَ بِالْبِشْرِ؛ در برابر قدرتمندان محتاط، در برابر دوستان فروتن، در برابر دشمنان مراقب و در برابر مردمان گشاده‌رو باش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۱۶۷).

حکمرانی مطلوب پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی و دارای نگرشی چندبعدی و تلفیقی است که در گفتمان‌ها و بافت‌های متفاوتی، ارائه شده است. برخی از مؤلفه‌های آن برجسته و برخی دیگر چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مسئله اساسی که در رویکرد تلفیقی وجود دارد تفاوت گفتمانی است که میان انسان‌ها در مناطق مختلف وجود دارد. بسیاری تلاش کرده‌اند آن را از گفتمان لیبرال و غربی دریافت کرده و در گفتمان اسلامی به کار ببندند (درزی و صدریه، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

نکته اساسی دیگر درباره حکمرانی خوب، مدرن بودن این مفهوم است. پایه‌های معرفتی این مقوله، ریشه در دوران معاصر و عصر مدرنیته دارد. ویژگی اصلی مدرنیته عبارت است از: انسان‌گرایی، مادی‌گرایی، عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و دنیاگرایی (همان: ۱۱۸). با تأمل در این نظریه می‌توان دریافت که یکی از مبانی آن، پذیرش تفکر اومانسیسم است. اومانسیسم تفکری است که در یک جمله، محور همه تحلیل‌های خود را انسان قرار می‌دهد و همه چیز را در خدمت انسان می‌بیند و می‌خواهد. این در حالی است که بینش اسلامی خدامحور است و به دنبال انسان و جامعه‌ای است که دل در گرو خداوند داشته و گوش به فرمان او باشد و همه ابعاد زندگی‌اش را نه در راستای میل و خواست خود، بلکه در مسیر اراده و خواست خدای متعال سامان دهد (نادری، ۱۳۹۰: ۸۵). شاخصه مسئولیت که در حکمرانی مطلوب مطرح شده، به هیچ عنوان مطلوب ما نیست، چراکه این رویکرد در یک نظام ارزشی و سیاسی مبتنی بر نظریه لیبرال دمکراسی مطرح شده که تنها مردم را صاحب اختیار و مالک اصلی می‌داند و حاکمیت و دولت را وکیل آن‌ها و بیشتر از شیوه پاسخگویی در بخش خصوصی الگو گرفته شده است. مالک در خصوص اموال اختیار هرگونه تصمیمی را دارد و نباید به کسی پاسخگو باشد، ولی در الگوی حکمرانی راعی و رعیت با توجه به آنکه برگرفته از بینش اسلامی است، حاکمیت را از آن خدا می‌داند و اوست که با توجه به قابلیت‌های گوناگون انسان‌ها، برای آن‌ها در قالب فردی و گروهی حقوقی قرار داده است و همه انسان‌ها در برابر او و هم در برابر رعایای «رعایت شونده‌گان» خود مسئولیت دارند. در الگوی حکمرانی مطلوب هر چند نوعی نگاه تعاملی بین ارکان سه‌گانه آن وجود دارد، ولی بیشتر مسئولیت امور برعهده دولت است؛ اما طبق دیدگاه

راعی و رعیت، نوعی رابطه دوجانبه وجود دارد که در آن ارتباط میان مردمان و حاکمان بر مبنای رعایت تبیین می‌شود؛ زیرا رابطه مردم با حکومت یک رابطه دوسویه است که هم مردم نسبت به حکومت وظایفی دارند و هم حکومت نسبت به مردم (آل کج‌باف و فرج دنیوی، ۱۳۹۱: ۵۷). هر کس وظیفه‌ای به او محول می‌شود و اختیاراتی دارد، نسبت به انجام وظیفه‌ای که برعهده گرفته، مسئول است و مسئولیت دارد (نجفی آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۵۳). ایجاد و تحقق مسئولیت و مسئول شناخته شدن افراد، در ابعاد فردی، شغلی و اجتماعی تابع همین فرمول و اصل است که وظیفه حق ایجاد می‌کند و حق و وظیفه موجب ایجاد تعهد شده و همه این‌ها انتظاراتی را به وجود می‌آورند که دارنده آن‌ها باید انجام تعهدات و چگونگی استفاده از حقوق و اختیارات را پاسخگو باشد (همان: ۱۵۸).

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پاسخگویی که به‌عنوان مؤلفه حکمرانی مطلوب از منظر نظام بین الملل مطرح است، در قرآن کریم و در سخنان معصومین (علیهم‌السلام) و سیره رضوی و با کاربست الگوی راعی و رعیت، قابل ردیابی است. از دیدگاه قرآن، جهان آفرینش و به تبع آن حیات انسانی دارای حساب و کتاب دقیقی است. سراسر این کتاب آسمانی سرشار از آیاتی است که بر مسئولیت خواهی، پرسشگری و حسابرسی از انسان‌ها تاکید کرده است و انسان‌ها باید پاسخگوی امانتی باشند که برعهده دارند؛ اما نکته اساسی و تفاوت عمده‌ای که در این دو الگو وجود دارد، تفاوت در مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه آن است؛ زیرا مبنای حکمرانی مطلوب و به تبع آن شاخصه مسئولیت بر اساس اومانیزم شکل گرفته است که انسان مبنای همه ارزش‌ها و همه تحلیل‌هاست و جای خداوند را در عالم گرفته است. این نگرش بار نمودن هر گونه تکلیف و مسئولیت را برای او نفی می‌کند در صورتی که در اسلام حاکمیت از آن خدا و مالک اصلی اوست. تمام مردم در همه حوزه‌ها حتی در زمانی برای خویش قوانینی وضع می‌کنند باید تابع فرامین او باشند و همه در برابر او مسئول و پاسخگو هستند. از جمله وجوه متمایز دو الگوی مسئولیت در حکمرانی مطلوب و

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

راعی و رعیت در ساحت اسلامی و سیره رضوی قائل بودن به مسئولیت دوجانبه و دوسویه در الگوی راعی و رعیت است؛ هم مردم و هم مسئولان در برابر هم مسئولیت دارند. در صورتی که در الگوی حکمرانی مطلوب حداکثر دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در برابر مردم مسئولیت دارند؛ بنابراین، نگاه کاربردی صرف به اصول حکمرانی خوب بدون هیچ قید و شرطی و بدون لحاظ مبانی اسلامی، آن گونه که طرفداران مطلق این دیدگاه معتقدند، در جوامع، اسلامی جایز و ممکن نیست. در عین حال، دیدگاه مخالفان مطلق که باب هر گونه مقایسه و بحث را می بندد، نیز نمی تواند مورد پذیرش واقع شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). گردآوری: شریف رضی. ترجمه: محمد دشتی. قم: مشهور.
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین. (۱۳۸۹). «مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (علیه السلام) با تأکید بر مؤلفه‌های اخلاقی حرفه‌ای». پژوهش نامه علوی. سال اول. شماره دوم. صص: ۲۰-۱.
- آجرلو، اسماعیل. (۱۳۹۵). «آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم امت». پژوهشکده شورای نگهبان دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵. برگرفته از: <http://www.shora-rc.ir>.
- آل کج‌باف، حسین؛ فرج دنیوی، حسن. (۱۳۹۱). «حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تأکید بر پاسخگویی». مطالعات قرآنی. دوره سوم. شماره ۱۰. صص: ۳۱-۶۴.
- باقر الموسوی، محسن. (۱۳۸۰). مدیریت و نظام‌داری از دیدگاه امام علی (علیه السلام). مترجم: سید حسین سیدی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- جمشیدی، محمد حسین. (۱۳۸۸). «حکومت و رعایت در آمدی بر فلسفه سیاسی حکومت اسلامی». دانش سیاسی. سال پنجم. شماره اول. صص: ۶۷-۴۱.
- _____ . (۱۳۹۶). «تبیین معناشناسی شناختی مفاهیم «راع» و «رعیت» بر مبنای حدیث نبوی و ارتباط آن با حقوق شهروندی». جستارهای زبانی. سال اول. شماره ۱. صص: ۲۳۹-۲۸۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). «مسئولین باید بدانند به منزله گوش و چشم آن‌ها هستند». درس/اخلاق. بازیابی شده در ۱۵ فروردین ۱۳۹۸. برگرفته از: <https://www.mehrnews.com>.
- حسینی تاش، سیدعلی؛ وائق، قادر علی. (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. سال سوم. شماره دوم. پیاپی ۸. صص: ۷-۲۸.
- حسینی، زهرا؛ ایزدی، مهشید؛ وکیلی، نجمه و انصاریان، فهیمه. (۱۳۹۷). «بررسی و اهداف تربیت مبتنی بر مسئولیت‌پذیری با نظر به مراحل تربیتی مد نظر اسلام». آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث. سال سوم. شماره پیاپی ۵. صص: ۱۷-۳۶.
- حشمت‌زاده، محمدباقر؛ حاج یوسفی، امیر محمد؛ طالبی، محمدعلی. (۱۳۹۶). «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران». جستارهای سیاسی معاصر. سال هشتم. شماره اول. صص: ۱-۲۴.
- درزی، قاسم؛ صدریه، پیام. (۱۳۹۴). «نگرشی میان رشته‌ای به حکمرانی خوب: زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه». پژوهش‌های نهج البلاغه. دوره ۱۴. شماره ۴۶. صص: ۱۰۳-۱۲۶.
- دلیر، نیره. (۱۳۹۳). «گفتمان رعیت و راعی در نظام اندرنامه‌های دوره اسلامی». جستارهای سیاسی معاصر. سال پنجم. شماره سوم. صص: ۶۲-۸۲.
- رحیمی، غلامرضا. (۱۳۹۳). «حقوق متقابل ملت و دولت از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم». سیاست متعالیه. سال دوم. شماره هفتم. صص: ۱۳۷-۱۵۴.
- رزمی، محمدجواد؛ رضاییان، سمانه؛ صدیقی، سمیه. (۱۳۹۴). «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی».

(پرویز باقری، مهدی شعبان نیا منصور)

- پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی. شماره دوم. صص: ۵۱-۶۳.
- دیدگاه، زهر؛ شریعتی، سید صدرالدین، بهشتی، سعید و ایمانی نائینی، محسن. (۱۳۹۷). «تبیین نقش مسئولیت‌پذیری در تربیت اجتماعی نوجوانان بر اساس تفسیر میزان». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. سال نهم. شماره ۳۴. صص: ۲۷-۵۶.
- شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت». مدیریت فرهنگ سازمانی. سال اول. شماره ۴. صص: ۹۳-۱۰۹.
- شیداییان، حسین. (۱۳۸۳). «مبانی دینی پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در اندیشه سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری». حصون. شماره ۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ محمدی، محمد علی. (۱۳۸۵). «منابع و مبانی حقوق عمومی در اسلام». اندیشه حقوقی. سال چهارم. شماره یازدهم. صص: ۵-۳۴.
- غازی، داوود بن سلیمان. (۱۳۷۶). مسندالرضا. محقق: محمد جواد حسینی جلالی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فقه‌الرضا. (۱۳۸۹). منسوب به امام رضا (علیه السلام). محقق: رحمت‌الله رحمتی اراکی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاتوزیان ناصر. (۱۴۰۰). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. چاپ پانزدهم. تهران: گنج دانش.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۲۵). الکافی. ج ۱. قم: انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- کمالی، یحیی. (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب چیست». تدبیر. شماره ۲۰۶. صص: ۲۰-۲۲.
- گرچی‌ازندریانی، علی اکبر. (۱۳۸۸). «ده فرمان حقوق عمومی: تأملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی»، فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۱. شماره ۲. تابستان ۱۳۹۰. صص: ۲۰۵-۲۲۳.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). سیری در نهج‌البلاغه. چاپ ۶۸. تهران: انتشارات صدرا.
- مفتح، محمد هادی؛ قاسمی، غلامعلی؛ کردنژاد، نسرین. (۱۳۹۴). «امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. سال دوم. شماره ۲. صص: ۱۵۱-۱۷۵.
- نادری، مهدی. (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. سال اول. شماره اول. صص: ۶۹-۹۴.
- نجفی‌آشتیانی، مهدی. (۱۳۸۱). «مسئولیت یا پاسخگویی». کمال مدیریت. شماره ۱. صص: ۱۴۵-۱۷۳.
- نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. تحقیق موسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- ورعی، سید جواد. (۱۳۸۱). حقوق و وظائف شهروندان و دولتمردان. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- یگانگی، سیده عاطفه؛ الوانی، سیدمهدی؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۹۵). «اولویت‌بندی شاخصه‌های حکمرانی خوب در سازمان کارا (مطالعه موردی شعب بانک رفاه استان قزوین)». رسالت مدیریتی. سال هفتم. شماره ۲۱. صص: ۱-۹.



Being and Nothingness, Jean-Paul Sartre, translate by Hazel E. Barnes, p 55
Pure Theory of Law, Hans Kelsen, translate by Max Knight, p 44.

New Legal Reading of *Rā'ī* and *Ra'iyat* in Light of the Razavi Conduct

Parviz bagheri¹ Mehdi Shabannia Mansour²

Received: December 10 , 2024

Revised: April 22 , 2025

Accepted: May 05 , 2025

Abstract

Every school of thought defines its desired type of governance based on the attitude it has regarding the place of man in existence. In the western school, optimal governance is a new model of governance, which aims to increase the efficiency and capability of the government by reforming governance methods. According to the concept of this issue, by the World Bank and some other centers one of them is the component of responsibility. On the other hand, in the school of Islam and especially in the life of imams such as Imam Reza (a.s.), there is a pattern of shepherd and subject, where the responsibility is mutual and mutual. The question that this research is supposed to answer is whether there is a relationship between these two patterns? Or do they contradict each other in general? The purpose of this research is to express a precise and clear definition of the concept of *rai'i* and *rai'it* based on Razavi's biography and remove the ambiguities of this concept and then examine the ratio of the two categories of "ideal governance" and "Rae and Ra'yat" together. In Islam, the category of responsibility and accountability has been emphasized a lot, there are many verses of the Qur'an and Hadiths of Razavi in this field, which has caused it to have a point in common with good governance in this field. This article tries to find out the commonalities and differences between the two concepts of responsibility in the model of good governance and Rae and Ra'yat in the model of Islamic governance with the help of the analytical-descriptive method and by referring to written and electronic

1. Assoc. prof of Law Dep, Ilam University, (corresponding author): P.bagheri@ilam.ac.ir

2. Assist. Prof of Public law Dep. Islamic Azad University, Central Branch, Tehran, Iran:
Mehdi.shabannia@iauctb.ac.ir

sources and Islamic sources such as the Qur'an, hadiths and hadiths. Especially in Razavi's life and in both fields, it should be subject to legal scrutiny.

Keywords: proportionality, rae and ra'yat, responsibility, Good Governance.